

کرامت انسانی و اقتصاد

تاریخ دریافت: ۸۷/۸/۱۲

تاریخ تأیید: ۸۷/۶/۲۱

سیداکبر سیدی نیا*

چکیده

انسان دو بُعد مادی و روحانی دارد و اسلام به هر دو بُعد آن توجه کرده است. در بُعد روحانی، در پی پرورش انسان‌های والایی است که به کمال رسیده‌اند و در بُعد مادی، رهنمون‌هایی را برای انسان دارد تا وی در راستای هدف‌های معنوی، نهایت بهره‌وری را از لذت‌های مادی و دنیوی ببرد و این دو مقوله در اسلام جدا از هم نیستند برخلاف دیگر نظام‌های اقتصادی که در پی هدف‌های مادی هستند. این مقاله اثرات مقوله‌ای به نام کرامت انسانی را که از جمله مقوله‌های اخلاقی و ارزشی بخش اقتصاد است بر کنش‌ها و رفتارهای اقتصادی بررسی می‌کند، نویسنده بر این باور است که انگیزه‌ها و رفتارهای «انسان کریم» با اهداف نظام اقتصادی اسلام سازگار است و برای رسیدن به این مطلب ضمن تبیین مفهوم، اقسام و مراتب کرامت انسانی و بیان ویژگی‌های اقتصادی انسان کریم، انگیزه‌ها و رفتارهای وی، اهداف نظام اقتصادی اسلام را مطرح می‌کند و به این نتیجه‌ها رسیده است:

۱. انسان کریم برخلاف انسان اقتصادی نظام سرمایه‌داری، با اهمیت دادن به منافع جمعی و رعایت موازین الهی در پی بیشینه کردن سرجمع لذت‌های مادی و معنوی است؛

* دانش‌آموخته حوزه علمیه قم و پژوهشگر علوم اجتماعی و اقتصادی.

۲. انگیزه‌ها و رفتارهای اقتصادی انسان کریم در جهت اهداف نظام اقتصادی اسلام است و با آنها مطابقت دارد؛

۳. برپایی صحیح و اجرای مناسب نظام اقتصادی اسلام کرامت انسانی را پدید یا حفظ می‌کند. وازگان کلیدی: انسان، کرامت انسانی، نظام اقتصادی اسلام، لذت‌های مادی و معنوی، رفتارها و کنش‌های اقتصادی. طبقه‌بندی JEL: J24, J41, O15.

مقدمه

پرداختن به کرامت انسانی و مقوله‌هایی مانند آن در جهت تحقق هدف خداوند متعال از بعثت پیامبران و در جهت تزکیه و تربیت و به کمال رساندن انسان است و از این جهت بسیار اهمیت دارد به طوری که خداوند متعال فرمود:

«هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمَمِينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» (جمعه (۶۲)، ۲).
 «اوست آن کسی که در میان بی‌سوادان فرستاده‌ای از خودشان برانگیخت، تا آیات وی را بر آنان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت به ایشان بیاموزد، و (آنان) قطعاً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند»

هر نظام و مکتبی با توجه به مبانی بینشی و ارزشی ویژه پایه‌گذاری می‌شود و سازکارها و سامانه آن با توجه به اهداف، مبانی ارزشی و بینشی شکل می‌گیرد بنابراین در بررسی هر نظام باید مبانی هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و جامعه‌شناختی آن مدنظر باشد. در هر نظامی، کنشگران در سایه آموزه‌های آن به انجام رفتارها و کنش‌ها دست می‌یازند و رفتارهای اقتصادی از جمله آن رفتارهاست. بررسی انگیزه‌های رفتار اقتصادی در بحث‌های اخلاق اقتصادی، تحلیل‌های اقتصادی و تحلیل کنش اقتصادی افراد هر جامعه‌ای که تحت نظام خاصی قرار دارند اهمیت فراوانی دارد و برای برنامه‌ریزی‌های اقتصادی بسیار مهم است.

در نظام سرمایه‌داری، انگیزه رفتارهای اقتصادی کنشگر، کسب مطلوبیت و دستیابی به حداکثر سود و نفع مادی شخصی است و تمام رفتارها براساس این انگیزه چیده می‌شوند.

اما در نظام اقتصادی اسلام انگیزه رفتارهای اقتصادی بیشینه‌کردن سرجمع لذت‌های مادی و معنوی است و بیشینه‌کردن لذت‌های مادی و دنیوی در جهت لذت‌های معنوی و اخروی و برای رسیدن به سعادت و کمال والای انسانی است. اسلام، انسان را به سوی نیل به این هدف سوق می‌دهد و در پی تربیت انسانی والا و کامل است که هدفش رسیدن به خداوند متعال بوده و از ابزارهای مادی برای رسیدن به این هدف نهایت استفاده را می‌برد و تمام رفتارهای انسان را بر همین جهت هدایت می‌کند.

در رفتارهای اقتصادی عامل‌های گوناگونی دخیل هستند که می‌توان به صورت ذیل دسته‌بندی کرد:

- ا. عامل‌های فرهنگی و اجتماعی؛
 - ب. عامل‌های طبیعی؛
 - ج. عامل‌های اقتصادی که از نوع حاکمیت، روابط اقتصادی و سیاست‌های اقتصادی ناشی می‌شود.
- عامل‌های فرهنگی و اجتماعی از مبانی فلسفی، مکتبی و جهان‌بینی سرچشمه می‌گیرند و توجه به آنها حائز اهمیت فراوانی است و یکی از ریشه‌های عامل‌های فرهنگی و اجتماعی، مبانی انسان‌شناسی است و پرداختن به این موضوع و تحلیل اثرهای آن در رفتارهای اقتصادی اهمیت فراوانی دارد و از میان مباحث انسان‌شناسی کرامت انسانی از مقوله‌هایی است که اسلام به آن بهای فراوانی داده و انسان را مفتخر به این نشان کرده است:

«وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسراء (۱۷)، ۷۰).

«به راستی ما فرزندان آدم را گرمی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا برنشانندیم و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم».

رفتار کریمانه انسان از نوع رفتارهایی است که به انگیزه بیشینه‌کردن سرجمع لذت‌های مادی و معنوی صورت می‌گیرد و می‌تواند در اخلاق اقتصادی و تحلیل‌های اقتصادی مورد بحث قرار گیرد. هدف اسلام، تربیت انسان‌های کامل و کریم است که این نوع تربیت در تمام زوایای زندگی حتی رفتارهای اقتصادی اثرگذار است.

در اکثر کتاب‌هایی که درباره اقتصاد اسلامی به‌ویژه نظام اقتصادی آن به رشته تحریر درآمده‌اند، اشاره‌هایی به اهداف و انگیزه‌های نظام اقتصادی اسلام شده است. شهید صدر^۱ در کتاب *اقتصادنا* به نظام اقتصادی اسلام می‌پردازد. وی بین نظام و مذهب تفاوت قائل است (صدر، ۱۳۵۰: ۲، ۱۰) و بر این باور است که ما علم اقتصاد اسلامی نداریم بلکه اقتصاد اسلامی، نظامی است که در آن اسلام روش تنظیم حیات اقتصادی را ارائه می‌دهد (همان: ۱، ۱۲؛ ۴۰۸ - ۴۰۲). وی ضمن ترسیم نظام اقتصادی اسلام، سه اصل اساسی را برای آن تصور می‌کند:

- ا. اصل مالکیت مختلط؛
- ب. اصل آزادی اقتصادی در کادر محدود؛
- ج. اصل عدالت اجتماعی؛
۱. اصل همکاری عمومی (تکافل عام)؛
۲. اصل توازن اجتماعی.

وی اهداف نظام اقتصادی اسلام را رسیدن به این اصول می‌داند و آنها را برخلاف نظام‌های دیگر واقعی می‌داند و با واقعیت انسانی از لحاظ خوی و سرشت، انگیزه‌ها و خصایص عمومی هماهنگ می‌بیند و روش‌های رسیدن به این اهداف را نیز واقعی می‌داند (همان: ۱، ۳۶۶).

نمازی (۱۳۸۲) نظام‌های گوناگون اقتصادی از جمله نظام سوسیالیستی و سرمایه‌داری را به تفصیل توضیح داده است و در فصل پایانی به نظام اقتصادی اسلام می‌رسد و بحث‌های روش بررسی نظام اقتصادی اسلام، روش کشف اصول نظام اقتصادی اسلام، اصول نظام اقتصادی اسلام، جایگاه نظام اقتصادی اسلام، نظریه‌های اساسی اقتصاد اسلامی و ارزیابی اصول و نظریه‌های اقتصاد اسلامی را بررسی کرده است اما به اهداف نظام اقتصادی اسلام و نظام انگیزشی آن اشاره نکرده است.

میرمعزی (۱۳۷۸) در سه دفتر به‌طور مفصل به مبانی فلسفی، مکتبی و اهداف و انگیزه‌های نظام اقتصادی اسلام پرداخته و آنها را با نظام سرمایه‌داری تطبیق داده است. وی ضمن بیان مبانی هستی‌شناسی، خداشناسی و انسان‌شناسی، اهداف کلی نظام اقتصادی

اسلام را در سه محور امنیت، رشد و عدالت اقتصادی بررسی می‌کند و همچنین انگیزه‌های نظام اقتصادی اسلام را در سه مبحث تأمین رفاه در راستای سعادت انسان، انگیزه‌های صرف درآمد و انگیزه‌های کسب درآمد را در جهت سعادت انسان بحث می‌کند و در این زمینه‌ها نوشتار کاملی است (میرمعزی، ۱۳۷۸: ۱۴۷ - ۶۳).

یوسفی و دیگران (۱۳۷۹) در کتاب *ماهیت و ساختار اقتصاد اسلامی*، اهداف نظام اقتصادی اسلام را تحت تأثیر هدف غایی نظام اجتماعی که تعلیم و تزکیه انسان برای تقرب هر چه بیشتر به خداوند متعال است می‌داند و اهداف نظام اقتصادی را به سه طبقه تقسیم کرده است:

۱. اهداف نهایی: کمال انسانی؛
 ۲. اهداف میانی: کفاف عمومی، توازن ثروت، قدرت اقتصادی و ...؛
 ۳. اهداف عملیاتی: رشد، اشتغال، تثبیت قیمت‌ها و ... (یوسفی و دیگران، ۱۳۷۹: ۱۳۵)
- موسویان (۱۳۷۹) در کتاب *نظام اقتصادی اسلام*، اهداف نظام اقتصادی اسلام را در دو محور ذیل بررسی می‌کند:

- ا. عدالت اقتصادی؛
- ب. رفاه عمومی؛
- ب. توازن اقتصادی.
۲. قدرت اقتصادی جامعه اسلامی؛
- ا. رشد اقتصادی؛

ب. استقلال اقتصادی (موسویان، ۱۳۷۹: ۴۳ - ۳۲).

یوسفی (۱۳۷۵) چهار هدف ذیل را از اهداف نظام اقتصادی اسلام می‌داند:

- ا. تحکیم ارزش‌های اخلاقی؛
- ب. عدالت اجتماعی و اقتصادی؛
- ج. عزت مسلمانان؛
- د. رفاه و آبادانی (یوسفی، ۱۳۷۵: ۱۴۶ - ۱۱۵).

هادوی‌تهرانی (۱۳۷۸) اهداف اقتصادی اسلام را در چهار محور معرفی می‌کند:

- ا. عدالت اقتصادی؛
- ب. قدرت اقتصادی حکومت اسلامی؛

ج. رشد اقتصادی؛

د. استقلال (هادوی تهرانی، ۱۳۷۸: ۸۳ - ۵۵).

دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (۱۳۷۴)، در کتاب *مبانی اقتصاد اسلامی*، به تفصیل درباره اقتصاد اسلامی به بحث پرداخته است و در فصل چهارم از بخش نخست آن به اهداف اقتصاد اسلامی در محورهای ذیل پرداخته است:

أ. حاکمیت سیاسی اسلام؛

ب. تحکیم ارزش‌های معنوی و اخلاقی؛

ج. برپایی عدالت اجتماعی؛

د. عدم وابستگی اقتصادی؛

هـ. خودکفایی و اقتدار اقتصادی؛

و. توسعه و رشد؛

ز. رفاه عمومی (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۴: ۲۱۵ - ۱۹۳).

غیر از میرمعزی، دیگر نویسندگان به نظام انگیزشی نظام اقتصادی اسلام اشاره‌ای ندارند. دیگران نیز در کتاب‌های گوناگون کم و بیش به این موضوعات پرداخته‌اند. در کتاب‌های تفسیری و کلامی نیز به بحث کرامت انسانی پرداخته شده اما در مقاله یا کتابی مشاهده نشده است که رفتار و انگیزه‌های اقتصادی انسان کریم مورد بررسی قرار گیرد و آن را با اهداف نظام اقتصاد اسلامی تطبیق دهد. مقاله حاضر در پی آن است که ادبیات موضوع را پیش برده و به این موضوع بپردازد.

هدف، روش و فرضیه

هدف مقاله، تبیین ویژگی‌های اقتصادی انسان کریم در ساحت انگیزه‌ها، آرمان‌ها و رفتارهاست و همچنین بررسی نقش و رابطه رفتارهای اقتصادی انسان کریم با اهداف نظام اقتصادی اسلام است.

روش مقاله در بررسی این موضوع روش اسنادی و کتابخانه‌ای است و سرانجام به این فرضیه می‌رسد که انگیزه‌ها، آرمان‌ها و رفتارهای انسان کریم و اهداف نظام اقتصادی اسلام با یکدیگر سازگارند به گونه‌ای که انگیزه‌ها، اهداف و رفتارهای انسان کریم در جهت اهداف نظام اقتصادی اسلام بوده و در پی کسب سعادت دنیوی و اخروی است و هدف

حداکثر کردن سرجمع لذت‌های مادی و اخروی با اصل قرار دادن لذت‌های اخروی و رضایت خداوند متعال است و از طرفی نظام اقتصادی اسلام با تحقق اهداف انسان‌های کریم را تربیت می‌کند و با رفتارهای آنها سازگار است.

کرامت انسان

از دیرباز درباره انسان و کرامت وی نکته‌ها و سخنان فراوانی بیان شده است. مسئله‌ای که در زمان خلقت آدم علیه السلام، فرشتگان آن را مطرح کردند و با طرح پرسشی مودبانه، کرامت خود را ابراز کردند و حضرت حق جل و جلاله در جواب آنان بر کرامت و ارزش انسان اشاره فرمودند. به این موضوع ادیان و مکتب‌های گوناگون اعم از فلسفی، انسان‌شناسی، روان‌شناسی، حقوقی و سیاسی پرداخته و بر اهمیت آن تأکید کرده‌اند و امروزه در گفتار و نوشتارهای گوناگون حقوق بشر به جایگاه و ارزش انسان اشاره شده است. اسلام به کرامت انسان به تفصیل پرداخته، به آن ارزش ویژه‌ای داده است. در اسلام کرامت انسانی اصل پذیرفته شده در روابط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فردی است. پیش از بحث از کرامت انسان به واژه‌شناسی کرامت می‌پردازیم.

معنای لغوی و اصطلاحی کرامت

کرامت در لغت، اسمی است که برای بخشش، بزرگواری و بزرگ‌منشی گذاشته می‌شود و از واژه «کَرُم» به معنای بخشندگی، دست و دل‌بازی، سودمندی و کریم بودن، گرفته شده است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶؛ مقرئ فیومی، ۱۴۰۵؛ مصطفوی، ۱۳۹۵)

و در اصطلاح علم کلام و اخلاق، توان، شایستگی و شأنی است که خداوند متعال به انسان‌های وارسته و پرهیزگار عطا می‌کند که آنان در سایه آن، کارهایی را انجام می‌دهند که دیگران قادر به آن نیستند.

کرامت مطلق حقیقی، مخصوص خداوند متعال است و بس. فقط خداوند متعال است که به‌طور مطلق از حقارت مبرا است و وصف کریم برای وی، وصفی حقیقی و ذاتی است و انسان نیز در سایه عبودیت خداوند متعال به کرامت می‌رسد. استاد جوادی آملی درباره معنای کرامت از علامه طباطبایی نقل می‌کند:

«کرامت، معادل دقیق فارسی ندارد و برای بیان آن از چند لفظ باید استفاده کرد. اگر انسان به مقامی برسد که در برابر خدا عبودیت محض پیدا کند و حاضر نباشد در مقابل غیرخدا سر بر زمین بساید می‌توان گفت: به مقام «کرامت» رسیده است. یعنی انسان هر چه به عبودیت محض نزدیک‌تر شود، به همان مقدار از هوان و حقارت رهایی پیدا می‌کند و به کرامت می‌رسد. اگر به حد نهایی عبودیت خدا رسید، به‌طور کامل از هوان و حقارت می‌رهد و این، همان کرامت مطلق است و اگر بهره‌ای از عبودیت خدا نداشته باشد، حقیر مطلق است و حظی از کرامت نمی‌برد» (جوادی‌آملی، ۱۳۸۱: ۲۰۴).

اقسام کرامت

در نظام هستی سه گونه کرامت می‌توان متصور شد:

۱. کرامت ملکوتی: این نوع کرامت فراطبیعی بوده و مختص فرشتگان خداوند، عرش الاهی، کرسی الاهی و حاملان آن‌هاست؛
۲. کرامت طبیعی: این نوع کرامت مربوط به جمادات و حیوانات و موجودات طبیعی است؛*
۳. کرامت انسانی: این نوع کرامت که از تلفیق طبیعت و فراطبیعی به دست آمده است به دو نوع کرامت ذاتی و کرامت اکتسابی تقسیم می‌شود.

کرامت ذاتی انسان

به‌طور تکوینی، قابلیت و توانایی‌های خاصی به انسان عطا شده است که برای کسب آن‌ها تلاشی نکرده است، به این استعداد انسانی کرامت ذاتی گویند که حاکی از عنایت و لطف ویژه خداوند به نوع بشر است و کرامتی است که همه انسان‌ها آن را دارا هستند و دارا بودن این کرامت مایه فخر انسان و خودخواهی وی نیست بلکه مایه ستایش خداوند متعال است که چنین موجودی را با این خصوصیات عالی آفریده است چنانکه حضرتش فرمود:

«فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» (مؤمنون (۲۳)، ۱۴).

«خجسته و پربرکت باد بر خداوند که بهترین آفریننده است».

آیه‌های دیگری در این باره وجود دارد که به این معنا اشاره دارد مثل آیه‌های کرامت و تسخیر:***

* خداوند متعال نباتات را با وصف کرامت یاد می‌کند و می‌فرماید: «وَأَلَمْ يَرَوْا إِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ أَنْثَبْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ» (شعراء، (۲۶)، ۷).

** چند نمونه از این آیه‌ها عبارتند از: (نساء، (۴)، ۲۸؛ معارج (۷۰)، ۱۹؛ ابراهیم (۱۴)، ۳۳؛ احزاب (۳۳)، ۷۲؛ اعراف (۷)، ۱۷۹؛ تین (۹۵)، ۵؛ جاثیه (۴۵)، ۱۳، بقره (۲)، ۲۹.

«وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسراء (۱۷)، ۷۰).

«به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا برنشانیدیم و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم و آن‌ها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم».

در این آیه شریفه به دو واژه کرامت و تفضیل اشاره شده است که بعداً به فرق بین این دو می‌پردازیم. کرامت ذاتی انسان مایه برتریش بر دیگر آفریدگان حتی فرشتگان است.

کرامت اکتسابی انسان

منظور از کرامت اکتسابی، کرامتی است که در سایه ایمان و اعمال صالح اختیاری به دست می‌آید و هر کس فراخور معرفت و عمل خویش از این نوع کرامت کسب می‌کند. به عبارت دیگر کرامت اکتسابی، برخاسته از کوشش انسان در راه سیر الی الله است و استعداد کسب این نوع کرامت در تمام انسان‌ها وجود دارد فقط مؤمنان، در سایه آموزه‌های وحیانی به مراتب والای آن می‌رسند تا جایی که مسجود فرشتگان قرار می‌گیرند. در روایتی از ائمه اطهار علیهم‌السلام آمده است.

«مَا خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ خَلْقًا أَكْرَمَ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنَ الْمُؤْمِنِ لِأَنَّ الْمَلَائِكَةَ خُدَّامُ الْمُؤْمِنِينَ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۹، ۱۹).

«هیچ موجودی نزد خداوند گرامی‌تر از مؤمن نیست، زیرا ملائکه خادمان مؤمنین‌اند».

معیار کرامت انسان

تمام انسان‌ها از آن جهت که انسانند کرامت ذاتی را دارند اما کرامت اکتسابی را برخی از افراد بشر دارا هستند. معیار کرامت و عزت انسان، بندگی و عبودیت است و اتصاف به اوصاف الاهی معیاری برای آن است و یگانه فخر انسان، مخلوق و در سایه خدا بودن است. حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام در این باره می‌فرماید:

«إِلَهِي كَفَى بِي عِزًّا أَنْ أَكُونَ لَكَ عَبْدًا وَكَفَى بِي فَخْرًا أَنْ تَكُونَ لِي رَبًّا» (مجلسی، ۱۴۰۵: ۹۱، ۹۴ ح ۱۰).

«بارالها بندگیت برای عزت من کفایت می‌کند و برای فخر من کافی است».

خداوند متعال معیار کرامت انسان را طبق آیه شریفه ذیل تقوا معرفی می‌فرماید:

«إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات (۴۹)، (۱۳)).

«با کرامت‌ترین شما در نزد خداوند متعال، باتقواترین شماست.»

مراتب کرامت اکتسابی

چنانکه گفتیم معیار کرامت انسان تقوای اوست و تقوا مراتبی دارد، هر کس به نسبت بهره‌مندی‌اش از تقوا از کرامت نیز برخوردار است و کمال این معیار و اعلى درجه آن، ایمان و تقوای کامل است که مختص به انسان کامل است و در وی تجلی می‌یابد و این مقام در خلفای الهی و انسان‌های کامل ظهور پیدا می‌کند اما انسان‌های در درجه پایین‌تر نیز به نسبت اتصافشان به تقوای الهی از کرامت برخوردارند و به تبع آن از رفتار کریمانه بهره می‌برند.

آیه‌های دال بر کرامت اکتسابی انسان

برخی بر این ادعا هستند که؛ پاره‌ای از آیه‌ها، کرامت اکتسابی انسانی را نفی و پاره‌ای دیگر بر کرامت اکتسابی تأکید دارند در نتیجه این دو دسته از آیه‌ها با هم در تناقض‌اند.

أ. آیه‌های نافی کرامت اکتسابی

در این باره چند آیه مطرح شده که به ذکر چند نمونه بسنده می‌کنیم:

۱. «ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ» (تین (۹۵)، (۵)).

«پس انسان را به پست‌ترین پست‌ها برگردانیم.»

دلالت این آیه بر نفی کرامت اکتسابی این است که در آیه قبلی آن از ساختار پسندیده و شایسته آفرینش انسان سخن به میان آورده شده است و در آیه بعدی آن با مستثنا کردن افراد مؤمن و صالح از سقوط بقیه انسان‌ها در اسفل السافلین خیر داده شده است.

در این باره باید گفت که سقوط در اینجا اختیاری است و گرنه با حکمت خداوند متعال معارض می‌شود، صحیح نیست که خداوند از یک جهت به انسان کرامت عنایت کند و از طرف دیگر وی را در اسفل السافلین بیندازد؛ افزون بر آن، مفاد آیه بعدی نشان می‌دهد که انسان‌های مؤمن و صالح می‌توانند با اختیار و کوشش خود از این وضع رهایی یابند و این همان اختیار و امکان کرامت اکتسابی است.

۲. «أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْعَافِلُونَ» (اعراف (۷)، (۱۷۹)).

«آنان همانند چارپایان؛ بلکه گمراه‌ترند؛ آنان همان بی‌خبران و غافلان هستند.»

در این آیه شریفه انسان گمراه‌تر از حیوانات شمرده شده و به علت به‌کار نرفتن عقل و اندیشه و عمل نکردن به مقتضای آن مورد نکوهش قرار گرفته است و این منافی کرامت اکتسابی است.

در این باره نیز باید گفت همین آیه شریفه، مربوط به امکان کرامت اکتسابی است زیرا در آیه بعد، نمازگزاران به سبب عملشان که اختیاری است مستثنا شده‌اند. پس انسان می‌تواند با عمل صالح خود به اختیار کرامت را کسب کند* (رجبی، ۱۳۸۱: ۱۴۴ - ۱۴۵).

ب. آیه‌های مثبت کرامت اکتسابی

در این باره آیه‌های فراوانی وجود دارد که مفاد آنها کرامت اکتسابی انسان را به اثبات می‌رساند که به ذکر چند نمونه بسنده می‌کنیم:

۱. «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات (۴۹)، (۱۳)).

به راستی که گرامی‌ترین شما در پیشگاه خدا باتقواترین شماست.»

۲. «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ، إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَّصَوْا بِالصَّبْرِ» (عصر (۱۰۳)، (۲ - ۳)).

«به راستی که انسان دستخوش زیان است؛ مگر کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده و همدیگر را به حق سفارش و به شکیبایی توصیه کرده‌اند.»

۳. «ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ، إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» (تین (۹۵) و ۵ و ۶).
«پس انسان را به پست‌ترین پست‌ها برگردانیم مگر آنانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند.»

۴. «إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا... إِلَّا الْمُصَلِّينَ» (معارج (۷۰)، (۱۹ - ۲۳)).

«به راستی که انسان حریص آفریده شده است... به غیر از نمازگزاران.»

* آیه‌های ۱۹ - ۲۱ سوره معارج و آیه ۲۲ سوره انفال نیز در این باره است که سرانجام به کرامت اکتسابی انسان ختم می‌شود.

ویژگی‌های اقتصادی انسان کریم

کسب کرامت و آگاهی به آن، در زندگی انسان آثار قابل تأمل برجای می‌گذارد. کرامت برتری است که اثرش در جای جای رفتار و اعمال انسان به‌ویژه در رفتارهای اجتماعی و اقتصادی قابل مشاهده است. این ویژگی‌ها را می‌توان در چند مورد دسته‌بندی کرد.

أ. انگیزه‌ها و آرمان‌ها

انگیزه‌ها و آرمان‌های هر شخصی در نظامی که در آن زندگی می‌کند شکل می‌گیرد و متأثر از مبانی فلسفی، بینشی و هستی‌شناسی اوست. انسان کریم در نظام اسلامی تربیت یافته و انگیزه‌ها و آرمان‌های اقتصادی وی متأثر از اهداف و انگیزه‌های نظام اقتصادی اسلام است. انگیزه‌ها در نظام اقتصادی اسلام به سه دسته ذیل تقسیم می‌شوند که هر یک از آنها هم تقسیم‌هایی را برای خود دارند:

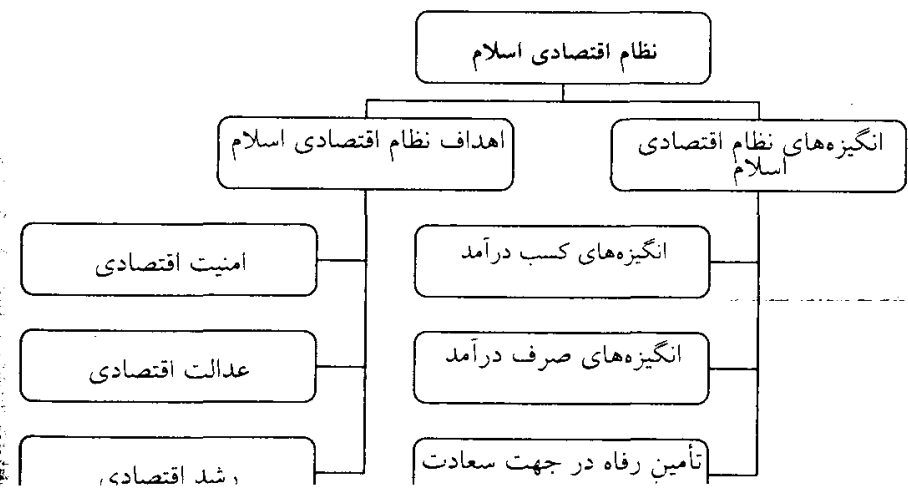
أ. انگیزه‌های کسب درآمد؛

ب. انگیزه‌های صرف درآمد؛

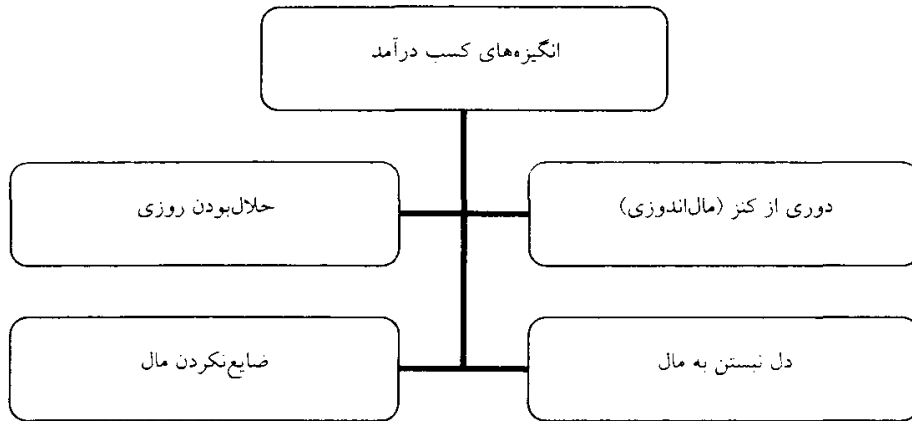
ج. تأمین رفاه در جهت سعادت.

هر سه قسم انگیزه‌های نظام اقتصادی اسلام به سعادت انسان و رسیدن به کمال مطلوب برمی‌گردد. در ذیل اهداف و انگیزه‌های نظام اقتصادی اسلام که کرامت انسانی با تک‌تک آنها در تعامل است ترسیم می‌شود:

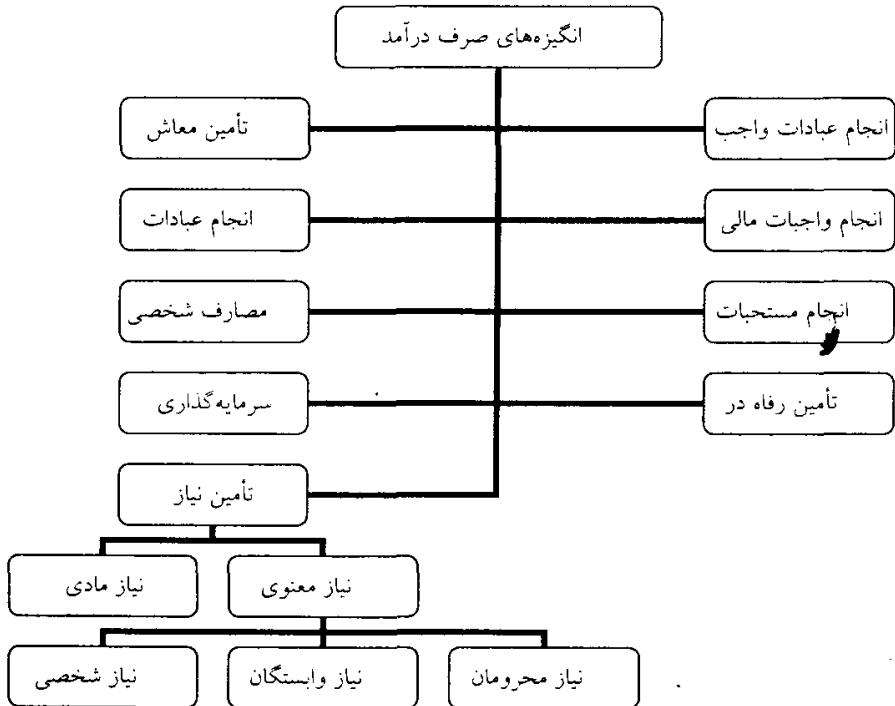
نمودار ۱: ترسیم کلی نظام اقتصادی اسلام



نمودار ۲: انگیزه‌های کسب درآمد



نمودار ۳: انگیزه‌های صرف درآمد



اوصاف انسان کریم در مقام کسب درآمد

انسان کریم در جامعه اسلامی زندگی می‌کند و رفتارهای اقتصادی آن تحت تأثیر اهداف نظام اقتصادی اسلام و نظام انگیزشی آن است. وی در جهت انگیزه‌ها و آرمان‌های اقتصادی خود وصف‌هایی دارد که سرانجام رفتار اقتصادی را شکل می‌دهد و این اوصاف در رفتارهای اقتصادی وی اثرگذار هستند و در جهت انگیزه‌ها و آرمان‌هایش می‌باشند.

دوری از هوای نفس

فرد مسلمان وقتی جایگاه خویش را در نظام ارزشی اسلام شناخت و متوجه کرامت و عزت نفس خود شد دیگر به دنبال تبعیت از هوای نفس نخواهد بود و این آگاهی سبب دوری از گناه و پرهیز از هوای نفس و شیطان درونی است. حضرت علی علیه السلام در بیانی شیوا در این باره می‌فرماید:

«مَنْ كَرُمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ هَانَتْ عَلَيْهِ شَهْوَتُهُ» (آمدی، ۱۳۶۳: ۲، ۶۸۱).

«هرکس نفس خویش را عزیز و گرامی دارد شهوت و آرزو نزدش خوار و بی‌مقدار خواهد شد.» شخصی که از هوای نفس خود پیروی نمی‌کند در رفتارهای اقتصادی نیز به همین ترتیب عمل می‌کند و در همه حال خداوند متعال را در نظر می‌گیرد و هیچ‌وقت به مفاسد اقتصادی روی نمی‌آورد. انگیزه‌های وی در جهت کسب سعادت دنیا و آخرت خواهد بود و به کسب سود و لذت مادی بدون در نظر گرفتن آخرت و سعادت اخروی نمی‌اندیشد.

دوری از گناه

انسان کریم، ارزش کرامت خود را می‌داند و آگاه است که با انجام گناه از کرامت انسانی دور می‌شود بنابراین از گناه و زشتی‌ها دوری می‌کند و تابع محض دین مقدس اسلام خواهد بود.

حضرت علی علیه السلام در این باره می‌فرماید:

«مَنْ كَرُمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ لَمْ يُهِنَّا بِالْمَعْصِيَةِ» (همان: ۶۷۷).

«کسی که نفس خویش را عزیز و گرامی دارد آن را با پلیدی گناه خوار و زبون نمی‌سازد.»

دوری از گناه به این معناست که انسان کریم در تمام رفتارهای خود و در معامله‌های اقتصادی از اعمال خلاف شرعی دوری جسته و به فعالیت‌های اقتصادی غیرشرعی چون رباخواری و رانت‌خواری و غیره اقدام نمی‌کند و با این کار به جنگ خداوند متعال و

رسول گرامی صلی الله علیه و آله نمی‌رود.

«فَإِنْ لَمْ تَقْلُوا فَأَذِنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَمْ تَظْلُمُونَ وَلَمْ تَظْلَمُونَ» (بقره (۲)، ۲۷۹).

«و اگر [چنین] نکرديد، بدانيد به جنگ با خدا و فرستاده وی، برخاسته‌ايد؛ و اگر توبه نکنيد، سرمایه‌های شما از خودتان است. نه ستم می‌کنيد و نه ستم می‌بينيد.»

در روایتی امام صادق علیه السلام عزت و بی‌نیازی را در دوری از گناه می‌داند. وصفی که انسان کریم به آن متصف است:

«مَنْ أَرَادَ عِزًّا بَلَا عَشِيرَةَ وَ غَنَى بَلَا مَالٍ وَ هَيْبَةً بَلَا سُلْطَانٍ فَلْيَنْتَقِلْ مِنْ ذَلِكَ مَعْصِيَةَ اللَّهِ إِلَى عِزِّ طَاعَتِهِ» (مجلسی، ۱۴۰۲: ۶۸، ۱۷۸).

«کسی که می‌خواهد بدون داشتن ایل و تبار عزت‌مند باشد و بی‌آنکه مالی داشته باشد بی‌نیاز باشد، و بی‌آنکه قدرتی داشته باشد با هیبت باشد، از ذلت معصیت خداوند به عزت اطاعت او درآید.»

دوری از کنز مال

انسان کریم به مال‌اندوزی و کنز نمی‌اندیشد و برای همین در شکوفایی و استفاده بهینه ثروت خود می‌کوشد و از فعالیت اقتصادی بازنمی‌ماند، وی در مصرف درآمد خود به ارزش‌های انسانی و الهی توجه کامل دارد. در سیره عملی ائمه اطهار علیهم السلام وارد شده است که آن بزرگواران از کار و کوشش بازنمی‌ماندند. در تاریخ آمده است که حضرت علی علیه السلام چاه‌های فراوانی را با دست مبارک خود حفر کردند و باغ‌های فراوانی را آباد کردند و در راه خداوند متعال انفاق یا وقف فرمودند. انسان کریم نیز به این امر مبادرت می‌ورزد. در روایتی از امام سجاد علیه السلام آمده است:

«السِّتْمَارُ الْمَالِ تَمَامُ الْمَرْوَةِ» (کلینی، ۱۳۸۸: ۱، ۲۰).

«بارور کردن مال، مردانگی و بزرگ منشی تام است.»

انگیزه‌های صرف درآمد

انجام عبادات و مستحبات مالی

یکی دیگر از آثار و ثمرات کرامت انسان، احترام و ارزش گذاشتن به دیگران و در نتیجه گذشت و ایثار است. انسان کریم آگاه به خود و دیگران است و آنها را برتر از خود

می‌داند و برای انتفاع آنها از حق خود می‌گذرد تا هم به کرامت انسان‌ها ارج گذاشته و هم سیر عروجی در کمال خود داشته باشد.

حضرت امیرالمومنین علیه السلام در این باره می‌فرماید:

«تمام المکارم الایثار» (همان: ۱، ۵۲).

«تمام کرامات و بزرگواری، ایثار و مقدم داشتن دیگران است».

وقتی انسان در پی ایثار و گذشت است در مسایل اقتصادی نیز از حق خود می‌گذرد یا به حق خود قانع است. چنین شخصی در پی احتکار و کسب منافع مادی به هر شکل ممکن نیست و به هیچ‌وجه با پایمال کردن حقوق دیگران فرصت‌های اقتصادی آنان را زایل نمی‌کند.

حفظ عزت خود و دیگران و عدم وابستگی به دیگران

عزت در لغت به معنای برتری و شکست ناپذیری است. راغب اصفهانی در باره معنای

عزت می‌نویسد:

«عزت حالت روحی در انسان است که مانع شکست خوردن وی می‌شود» (راغب اصفهانی،

۱۴۱۶: ۳۳۳).

مفهوم عزت در مضامین ارزشی جایگاه ویژه‌ای دارد تا جایی که برای رسیدن و حفظ آن، مرگ پسندیده شمرده می‌شود آنجا که امام حسین علیه السلام می‌فرماید:

«شأن و منزلت من، شأن و منزلت کسی نیست که از مرگ بترسد. چقدر آسان است مرگ برای رسیدن به عزت و زنده کردن حق. مرگ در راه رسیدن به عزت، جز زندگی ابدی و زندگی با ذلت چیزی جز مرگ تدریجی نیست» (فرزانه، ۱۴۰۳: ۲۲۵؛ صابری، ۱۴۱۵: ۱۶۹).

یکی از راه‌های حفظ عزت انسان بی‌نیازی از مردم است.

«شخصی از امام حسین علیه السلام پرسید: عزت انسان در چیست؟ امام فرمود: «استغناؤه عن الناس»؛ اینکه نیازمند مردم نباشد» (فرزانه، ۱۴۰۳: ۳۸۲؛ صافی گلپایگانی، بی‌تا: باب ۸، ۱۲۲).

انسان کریم عزت خود را حفظ می‌کند و برای کسب موقعیت‌ها و فرصت‌های اقتصادی بهتر عزت خود را از دست نمی‌دهد و حاضر نیست با زیر پا گذاشتن عزت خود با رانت و رابطه‌بازی به قدرت مادی خود بیافزاید بلکه برای حفظ عزت خویش از مال و ثروت خود می‌گذرد همان‌طور که عزت دیگران و درماندگان را در نظر گرفته و به انفاق در راه خداوند متعال اقدام می‌کند.

انفاق

انتظار نداشتن در برابر احسان، خصیصه‌ای نیکو است که در صورتی که در جامعه اسلامی نشر پیدا کند می‌تواند آثار مفید اجتماعی و اقتصادی داشته باشد و سبب تامین اجتماعی مستمندان و قشر آسیب‌پذیر جامعه شود.

نیکوکاران را می‌توان به دو صورت تصور کرد: ا. نیکوکارانی که در برابر کار نیک خود (اعم از گره‌گشایی و اطعام) انتظارهای مشابهی را دارند که البته همین هم قرب و ثواب دارد؛ ب. نیکوکارانی که در برابر احسان خود هیچ انتظاری را ندارند و مشمول آیه شریفه «لا تُریدُ مِنْكُمْ جَزَاءٌ وَ لا شُكُوراً» (انسان (۷۶)، ۹) * هستند و اینان همان کریمان هستند. حضرت علی علیه السلام در وصف ایشان می‌فرماید:

«الکریم من بذل احسانه» (همان: ۱، ۴۴، ح ۱۳۰۷).

«کریم و بزرگواری کسی است که بخشش خود را به دیگران رایگان دهد».

بخشش احسان نیز از راه‌ها و ابزارهای رفع فقر در اسلام است چنانکه در روایت‌ها هم وارد شده است که اگر مردم به دادن احسان و صدقه مبادرت ورزند فقر در جامعه ریشه‌کن می‌شود و این خود راهکاری مناسب برای بازتوزیع صحیح منابع مالی در جامعه اسلامی است.

ب. رفتارهای اقتصادی

در این بحث نگاهی به ویژگی‌ها و خصوصیات انسان کریم داشت تا ضمن آشنایی با آنها اصول رفتاری را به دست آوریم که در رفتار اقتصادی انسان اثرگذار است و تأثیر اصول رفتاری و اخلاقی انسان کریم را در برخورد با مسائل اقتصادی و نقش آن در اقتصاد اسلامی را ترسیم کنیم. چنانکه در نمودار ۲ نیز نشان داده شد، کرامت در تحقق اهداف و انگیزه‌های نظام اقتصادی اسلام نقش‌آفرین است همان‌طور که اجرای صحیح نظام اقتصادی اسلام کرامت انسانی را پدیدآورده یا تثبیت می‌کند.

خصوصیات و ویژگی‌های فراوانی در سیره و سنت اسلامی برای انسان کریم بیان شده که بررسی تمام آنها مجال دیگری را می‌طلبد، به اختصار به آن‌دهسته از خصوصیات و ویژگی‌هایی می‌پردازیم که می‌تواند جنبه اقتصادی داشته و در رفتار اقتصادی تأثیرگذار باشد.

* این آیه و آیه‌های پیش از آن در شأن حضرت امیرمؤمنان علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام آمده است.

حفظ کرامت انسان در انفاق

گرچه مال و ثروت در قرآن کریم به «خیر»^{*} تعبیر شده و جمع‌آوری آن از راه حلال، سفارش شده است اما در مقایسه با آبروی مسلمان در مرتبه پایین‌تری قرار دارد. در آموزه‌های اسلامی حفظ آبرو از مهمات رفتار مومن است و شخص کریم حفظ آبروی خود را بر مال‌اندوزی مقدم می‌دارد و این معیاری برای تشخیص انسان کریم از انسان پست است. در این‌باره حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

«الکریم من صان عرضه بماله و اللئیم من صان ماله بعرضه» (آمدی، ۱۳۶۳: ۲، ۱۵۴).

«جوانمرد کسی است که آبرویش را با ثروتش حفظ می‌کند و انسان پست کسی است که مالش را با آبرویش نگه می‌دارد».

به‌طور قطع انسان مسلمان و کریمی که حفظ آبرویش را بر انداختن مال ترجیح می‌دهد درباره انسان‌های دیگر نیز چنین است و با بذل و بخشش مال خود در حفظ آبروی آنان می‌کوشد و بذل و بخشش در راه خدا را بر زراوندوزی ترجیح می‌دهد. مردی از انصار برای خواسته‌ای نزد امام حسین علیه السلام آمد و پیش از آنکه خواسته‌اش را بیان کند امام علیه السلام فرمود:

«ای برادر انصاری آبرویت را از خواستن رو در رو نگه دار و خواسته‌ات را در نامه‌ای بنویس، انشاءالله آنچه تو را شاد کند انجام می‌دهم. مردی انصاری در نامه نوشت: ای اباعبدالله علیه السلام فلانی ۵۰۰ اشرفی از من طلب دارد و برای دریافت آن پافشاری می‌کند. با وی صحبت کن که به من مهلتی دهد. امام علیه السلام پس از خواندن نامه وارد منزل شد و با کیسه‌ای که ۱۰۰۰ اشرفی در آن بود بازگشت و به مرد انصاری داد و فرمود: با پانصد دینار بدهی خود را بپرداز و پانصد دینار دیگر را در اداره زندگی مصرف کن. توجه داشته باش، نیازت را جز برای سه نفر بیان نکن! مرد دیندار، یا صاحب مروت و مردانگی، یا صاحب شرافت. اما دیندار به سبب دینش حاجت را برآورده می‌سازد و صاحب مروت از مردانگی خود شرم می‌کند و صاحب شرافت نیز می‌داند که تو با این کار آبروی خود را فروخته‌ای و آبرویت را حفظ می‌کند و بدون برآوردن نیازت تو را رد نمی‌کند» (حرانی، ۱۳۸۲: ۲۵۱).

* خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ (عادیات (۱۰۰)، ۸)؛ انسان علاقه شدیدی به مال دارد».

پیش‌دستی در انفاق

انسان کریم شخصی است که پیش از درخواست نیازمند^{*} به وی کمک کرده و نیاز وی را برطرف می‌سازد. عطای پیش از درخواست انسان کریم، آبروی نیازمند را حفظ کرده و سبب دلگرمی وی به نظام اسلامی می‌شود. در روایتی از حضرت علی علیه السلام می‌خوانیم:

«الکریم من سبق نواله سوا له» (آمدی، ۱۳۶۳: ۱، ۵۱، ح ۱۴۲۸).

«کریم و بزرگوار کسی است که عطایش بر درخواست از وی پیشی گیرد».

بخشش از نوع رفتارهای نیکویی است که در اقتصاد اثر فقرزدایی دارد. انفاق و صدقه یکی از راه‌های زدودن فقر و رونق‌بخشیدن به اقتصاد خانواده و سرانجام اقتصاد جامعه است و به گسترش غنا و پدیدآوردن توازن اجتماعی کمک می‌کند و با تأثیر بر درآمد گذرا بر درآمد دائمی اثرگذار است (گلیهی، ۱۳۶۶: ۱۶۱) اما مهم‌تر از اصل رفع فقر کیفیت رفع آن و حفظ کرامت و جایگاه فقیر است.

در اسلام ابزارهایی برای رفع فقر معرفی شده است که می‌توان آنها را به دو گروه عمده تقسیم کرد: گروه نخست ابزارهایی هستند که در کوتاه‌مدت بر رفع فقر اثر می‌گذارند و فقر را برطرف می‌سازند، مانند صدقه و قرض‌الحسنه. گروه دوم ابزارهایی که در بلندمدت تأثیرگذارند. به عبارت دیگر، فقر را برای بلندمدت از زندگی فرد برطرف می‌سازند، مانند عقده‌های مشارکت^{**} (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۱).

پایداری در برابر حوادث ناگوار

انسان کریم، پرورده مکتب اسلام است و صبر و استقامتش در برابر ناملایمات از وی سنگ آسیابی می‌سازد که در برابر سختی‌ها خم به ابرو نمی‌آورد و همواره شکرگزار پروردگار خویش است. حضرت علی علیه السلام در این‌باره می‌فرماید:

«النفس الکریمه لاثوثر فیها النکبات» (آمدی، ۱۳۶۳: ۲، ۱).

«حوادث ناگوار در روح انسان با کرامت و بزرگواری تأثیر نمی‌گذارد».

* در جامعه دو نوع نیازمند وجود دارد: ۱. نیازمندی که نیاز خود را آشکار می‌کند و از مردم کمک می‌خواهد؛ ۲. نیازمندی که نیاز خود را پنهان داشته و با آبرو زندگی می‌کند.

** برای آگاهی از اثرهای اقتصادی قرض‌الحسنه و انفاق (ر.ک: دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۱؛ هادوی‌نیا، ۱۳۷۸).

گاهی در اقتصاد شرایطی پدید می‌آید که ناخواسته فشارها و سختی‌هایی را بر جامعه تحمیل می‌کند به‌طور مثال، در وضعیت تورمی که از علت‌های گوناگون که گاه خارج از کنترل است و گاه بر اثر ضرورت، سیاست‌های اقتصادی دولت پدید می‌آید بر اقشار کم‌درآمد و متوسط جامعه فشارهای اقتصادی وارد می‌شود. در این مواقع انسان کریم این اهداف اقتصادی دولت سخت و ناگوار را تحمل می‌کند و با این کار به رشد اقتصادی و به سامان رسیدن شرایط یاری می‌رساند.

پایبندی به عهد و پیمان

انسان کریم به وعده و عهد خود وفادار است و به قراردادهایی که با دیگران می‌بندد پایبند است و از جمله این عهد و قراردادها، قراردادها و معامله‌های اقتصادی است وی ضمن پایبندی به قراردادهای بسته شده، به برادر درمانده مسلمان خود فرصت می‌دهد تا به تعهدهایش عمل کند. حضرت علی علیه السلام در این باره می‌فرماید:

«الْكَرِيمُ إِذَا وَعَدَ وَفَىٰ وَإِذَا تَوَعَّدَ عَفَىٰ» (آمدی، ۱۳۶۳: ۲۵۲۵، ح ۵۲۶۹).

«کریم هرگاه وعده دهد وفا می‌کند و هرگاه بیم دهد، گذشت می‌کند».

بحث تطبیقی با سرمایه‌داری

انگیزه‌ها و آرمان‌ها

انگیزه اصلی افراد در نظام سرمایه‌داری بیشینه‌کردن لذت‌های مادی و کسب مطلوبیت بیشتر است. در نظام سرمایه‌داری برای دو گروه خانوارها و بنگاه‌ها، انگیزه‌های ذیل متصور می‌شود:

ا. انگیزه بیشینه‌کردن مطلوبیت برای خانوارها؛

ب. انگیزه بیشینه‌کردن سود اقتصادی برای بنگاه‌ها.

نظام انگیزشی هر جامعه‌ای برگرفته از جهان‌بینی آن است و جهان‌بینی نظام سرمایه‌داری مادی و بر پایه فایده‌گرایی و لذت‌گرایی یا اصالت لذت مبتنی است.

مکتب سرمایه‌داری اصالت را به فرد داده و به جامعه در سایه تأمین نیازهای فرد اهمیت می‌دهد و به انسان نیز نگرشی فردگرا دارد و به این مطلب تأکید می‌کند که هر فرد باید در

پی کسب منافع مادی خود باشد و در برابر افراد دیگر جامعه مسؤولیتی ندارد مگر آنکه منافع مادی وی را افزایش دهد. اساس مکتب سرمایه‌داری افزایش بهره‌مندی از لذت‌های مادی است. اهداف و انگیزه‌های آن نیز متأثر از این اصل است به‌طور مثال، هدفی چون عدالت توزیعی اساساً برای کسب منفعت برای سرمایه‌دار و فرد است و نظریه‌پردازان سرمایه‌داری به علت آنکه رشد اقتصادی باعث بهبود وضعیت تهیدستان و افزایش جمعیت است، رشد اقتصادی را برای تهیدستان نمی‌خواهند. مالتوس از نظریه‌پردازان مکتب کلاسیک سیاست‌های فقرزدایی را محکوم می‌کند و می‌نویسد:

«هر چیزی که شرایط تهیدستان را تغییر دهد آنها را به داشتن فرزند بیشتر تشویق خواهد کرد. بنابراین تعداد تهیدستان بیشتر خواهد شد بدون آنکه ثروت بیشتری پدید آید» (آریلاستر، ۱۳۶۷: ۳۷۹).

نظریه‌پردازان دیگری چون هایک، فریدمن، نوزیک، ماندویل و ... نیز چنین نظری دارند. ماندویل می‌گوید:

«برای آنکه جامعه و مردم، در متوسط‌ترین شرایط، خوشبخت و راحت باشند لازم است شمار کثیری از آنها در جهل و فقر باقی بمانند» (همان: ۲۶۶).

نظام سرمایه‌داری با راه‌های مثل تأمین اجتماعی، بیمه بیکاری، سهم کردن کارگران در محصولات تولیدی خود و سهام کارخانه و تشکیل اتحادیه‌های کارگری با پدیده فقر و بی‌عدالتی مبارزه می‌کند. این سیاست‌ها از قرن نوزدهم بعد از اعتراضات کارگران و اعتصاب آنها اتخاذ شد که البته به قصد کنترل کارگران و تأمین نظر و سود سرمایه‌داران بود و اکنون با وجود اعمال سیاست‌های اتخاذ شده هنوز فقر و بی‌عدالتی در جهان بیداد می‌کند به این علت که نظام سرمایه‌داری در پی رفع علت فقر و بی‌عدالتی نیست و این مطالب حاکی از آن است که اهداف، انگیزه‌ها و آرمان‌های نظام سرمایه‌داری از اصل لذت‌جویی، فایده‌گرایی و بیشینه‌کردن سود مادی پیروی می‌کند.

حوزه رفتارها

مکتب دئیسم از مهمترین مبانی فلسفی نظام سرمایه‌داری شمرده می‌شود. اندیشه‌وران مکتب دئیسم وحی را انکار کرده و عقل بشری را برای شناخت انسان از جهان هستی کافی

می‌دانند. با ظهور مکتب فیزیوکرات در اقتصاد غرب، نظام سرمایه‌داری بر نظام طبیعی و کشف قوانین آن براساس عقل بشر تاکید کرد. آنان اقتصاد را جزو نظام طبیعی و تابع قوانین آن می‌دانستند و بر این باور بودند که قوانین اقتصادی از قوانین تغییرناپذیر طبیعی پیروی می‌کنند. یکی از قوانین طبیعی این است که هر فردی راهی را که سودمندتر است پیدا می‌کند و بهره‌مند می‌شود این همان اصل لذت‌جویی است که به عنوان اساسی‌ترین اصل در اقتصاد سرمایه‌داری مطرح است (هادوی‌نیا، ۱۳۸۱: ۳۳ - ۳۷). دکتر کنه در این باره می‌نویسد:

«به دست آوردن حداکثر کاهش در مخارج، حد کمال در روش اقتصادی و نظام طبیعی اجتماع است. وقتی همه افراد چنین عمل کنند، نظام پیش‌گفته به جای اختلال به بهترین شکل مستقر خواهد شد» (شارل، ژید و ژیس، ۱۳۷۰: ۱، ۱۶).

اصل لذت‌جویی و حداکثر کردن لذت‌های مادی از اصول و پایه‌های اساسی نظام سرمایه‌داری است و بر پایه این اصل مفهوم‌هایی چون آزادی فردی، اختیارات دولت و نحوه دخالت آن، مالکیت خصوصی، رقابت و انسان اقتصادی در این نظام قابل توضیح و تحلیل هستند. انسان اقتصادی در نظام سرمایه‌داری در پی کسب لذت‌های مادی و دنیوی با تحمل کمترین رنج و درد است و از لذت‌های اخروی و غیرمادی چشم می‌پوشد و لذت‌های مادی را بر لذت‌های معنوی ترجیح می‌دهد. انسان عاقل در این نظام کسی است که به نفع خویش فکر می‌کند و هر روشی را که برای به‌دست آوردن آن به‌کار می‌برد و عقل خود را در اختیار نفس خویش برای به‌دست آوردن اهداف و امیال نفسانی خود می‌گذارد. در تمام رفتارها و عرصه‌های اقتصادی چون تولید، مصرف، سرمایه‌گذاری و ... هم در پی برآوردن همین هدف و معنا است. به‌طور مثال تولیدکننده فقط در صدد بیشینه‌کردن سود مادی شخصی است و مصرف‌کننده نیز در پی بیشینه‌کردن مطلوبیت مادی و دنیوی از مصرف است. هابز در این باره می‌نویسد:

«جز ملاحظه منافع شخصی، چیز دیگری نمی‌تواند انگیزه رفتارهای آدمی باشد و حتی اگر عقل و منطق، کوتاه‌بینی وی را در این اعمال رقابت‌آمیز بنمایاند و حتی اگر آدمی درک کند بهترین راه تامین منافع شخصی وی همکاری و تعاون با هموعانش است، باز هم برای وی فایده‌ای نخواهد داشت؛ زیرا عقل انسان در تحلیل نهایی، بنده و خدمتگذار شهوت‌هایش است» (به نقل از زریباف، ۱۳۶۹: ۳۹۱).

در نظام سرمایه‌داری، هر کاری که انسان را برای رسیدن به این یاری می‌دهد انتخاب می‌کنند

و توجهی به مرزهای دینی نمی‌کنند. کینز، نظریه‌پرداز نظام سرمایه‌داری در این باره می‌نویسد: «دست‌کم تا یکصد سال دیگر، باید هم به خود و به دیگران چنین وانمود کنیم که نیکو بد، و بد نیکوست؛ زیرا بد مفید است و نیکو سودمند نیست. آز، رباخواری، حزم و احتیاط باید هنوز مدنی خدایان قابل تقدیس ما باشند؛ زیرا فقط اینها هستند که می‌توانند ما را از تونل ضرورت‌های اقتصادی به سعادت راهنمایی کنند» (فرسون، ۱۳۶۹: ۱۲۲ و ۱۲۳).

برعکس نظام سرمایه‌داری، نظام اقتصادی اسلام بر بهره‌مند شدن انسان از هر دو لذت مادی و معنوی تاکید کرده و از پرداختن به یکی بدون دیگری منع کرده است. پیامبر اکرم علیه السلام در این باره می‌فرماید:

«الْبَيْسَ مِمَّا مَنْ تَرَكَ دُنْيَاهُ لِدِينِهِ وَ دِينَهُ لِدُنْيَاهُ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۵، ۳۲۱).

«ا: ما نیست کسی که دنیایش را برای دینش ترک کند یا دین خود را برای دنیا ترک کند». انسان را از غوطه‌ور شدن در مادیات مانع می‌شود و دنیا را مزرعه آخرت می‌داند. قرآن کریم درباره بهره‌مندی از دنیا با در نظر گرفتن آخرت می‌فرماید:

«وَاتَّبِعْ فِيمَا أَنْكَرَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَسْأَلْ نَفْسِيكَ مِنَ الدُّنْيَا» (قصص (۲۸)، ۷۷).

«و با آنچه خدایت داده سرای آخرت را بجوی و سهم خود را از دنیا فراموش مکن». اسلام در ترجیح بیان لذت‌های مادی و معنوی به لذت‌های معنوی که ماندگارترند تاکید می‌ورزد در حالی که انسان را از بهره‌مندی از لذت‌های مادی منع نمی‌کند. حضرت امیرالمومنین علیه السلام درباره ترجیح لذت‌های معنوی بر لذت‌های ناپایدار مادی می‌فرماید:

«اسعد الناس من ترك لذة فانية للذة باقية» (آمدی، ۱۳۶۳: ۲، ۴۴۱).

«نیک‌ترین مردم، کسی است که لذت ناپایدار را به جهت لذت بادام ترک کند».

کرامت انسان و اهداف نظام اقتصادی اسلام

برای بررسی رابطه کرامت انسانی و اهداف نظام اقتصادی اسلام، اهداف را به صورت اجمال و اختصار* بررسی می‌کنیم چون کرامت انسانی در اهداف و انگیزه‌های نظام اقتصادی اسلام تأثیرگذار است، همان‌طور که تحقق اهداف اقتصادی اسلام به حفظ

* آیه‌های از قرآن کریم چون بقره (۲)، اعراف (۷)، ۱۰، ۲۶، ۳۲: انعام (۶)، ۱۴۱-۱۴۲؛ نحل (۱۶)، ۸۰-۸۱ و ملک (۶۷)، ۱۵ به این معنا اشاره دارند.
* برای آگاهی تفصیلی از اهداف و انگیزه‌های نظام اقتصادی اسلام (ر.ک: میرمعزی، ۱۳۷۸).

ارتقای کرامت انسانی و عزت انسان می‌انجامد. در کل اسلام دینی است که به رشد هر دو بعد مادی و معنوی می‌اندیشد و اقتصاد را ابزاری برای رسیدن به سعادت انسان می‌داند. امام خمینی رحمه الله به این موضوع می‌فرماید:

«اسلام دینی است که با تنظیم فعالیت‌های مادی راه را برای اعتلای معنوی انسان می‌گشاید. ترقی واقعی همین است که رشد خود انسان هدف فعالیت‌های مادی شود و اسلام، دین این ترقی است» (موسوی خمینی، ۱۳۶۱: ۹، ۱۶۷).

اهداف نظام اقتصادی اسلام

نظام اقتصادی اسلام در جایگاه بخشی از نظام اسلامی یک هدف غایی و نهایی دارد و آن، به کمال رسیدن انسان برای وصال به خداوند متعال و کسب مقام والای خلافت الهی است و برای نیل به این هدف امام صادق علیه السلام انسان را نیازمند سه چیز می‌داند:

«ثَلَاثَةٌ أَسْبَغَتْ بِهَا النَّاسُ طَرَأَ إِلَيْهِ: الْأَمْنُ وَالْعَدْلُ وَالْخِصْبُ» (حرانی، ۱۴۰۴: ۳۲۰).

«سه چیز است که همه مردم به آن نیازمندند: امنیت، عدالت و سرسبزی و آبادانی».

نظام اقتصادی اسلام هدف نهایی و غایی را از طریق سه هدف کلی ذیل دنبال می‌کند (ر.ک: میرمعزی، ۱۳۷۸: ۱۴۷ - ۱۰۲):

أ. رشد اقتصادی

رشد اقتصادی یکی از اهداف نظام اقتصادی اسلام است. رشد اقتصادی یکی از مقوله‌های است که همه مکتب‌های اقتصادی سرمایه‌داری، سوسیالیستی و اسلام به‌عنوان هدف به آن تاکید دارند اما جایگاه آن در اهداف نظام‌ها متفاوت است. اسلام رشد اقتصادی را هدف نهایی خود تصور نمی‌کند برخلاف نظام سرمایه‌داری که آن را هدف غایی خود می‌داند. اسلام هدف غایی خود را کمال انسان و خلافت الهی می‌داند که در سایه تربیت الهی و پرورش صفات نیک و فضایل پسندیده امکانپذیر است. نظام سرمایه‌داری رشد اقتصادی را به هر شکل ممکن مجاز می‌شمارد اما اسلام آن را در چارچوب موازین اسلامی و انسانی مجاز می‌داند.

ب. عدالت اقتصادی

دادن حق هر صاحب حقی را عدالت گویند، عدالت اقتصادی نیز دستیابی هر کس به

حق خود از ثروت و درآمد جامعه است. در آموزه‌های اسلامی واژه عدالت با حق همراه است بنابراین اگر رفتار افراد و کارکرد نظام بر پایه حق باشد عادلانه است و در حوزه اقتصاد اگر همه افراد به حق خود از ثروت و درآمد جامعه دست یابند عدالت اقتصادی برقرار شده است. موسویان در تعریف عدالت اقتصادی می‌نویسد:

«عدالت اقتصادی از دیدگاه اسلام عبارت است از رفاه عمومی و ایجاد تعادل و توازن در ثروت‌ها و درآمدها» (موسویان، ۱۳۸۰: ۳۶).

در نظام اقتصادی اسلام، عدالت اقتصادی جایگاه ویژه‌ای دارد و اسلام در پی آن است تمام افراد جامعه از حداقل زندگی برخوردار باشند و این حق را به آنها می‌دهد و از طرف دیگر با اجرای روش‌ها و احکام الهی به دنبال متوازن کردن ثروت و درآمد و توزیع عادلانه آن است. چنانکه امام باقر علیه السلام در روایتی می‌فرماید:

«هَمَانَا خَدَاوَنَد مَتَعَال هِيَج بَخْشِي اَز اَمْوَال رَا وَا نَگَداشْت، مَگَر اَنكَه اَن رَا تَقْسِيم كَرَد وَ حَق هَر صَاحِب حَقِّي رَا عَطَا كَرْدَه اَسْت. حَق خَاص اَفْرَاد، حَق عَمُوم، فَقِيرَان، مَسْكِينَان وَ حَق هَر گِرُوهِي اَز گِرُوه‌هَای مَرْدَم رَا دَادَه اَسْت» (حکیمی، ۱۳۷۴: ۳، ۲۲۴).

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«إِنَّ النَّاسَ يَسْتَعْتُونَ إِذَا عَدَلَ بَيْنَهُمْ» (کلینی، ۱۳۸۸: ۳، ۵۶۸).

«اگر در میان مردمان به عدالت رفتار شود همه بی‌نیاز می‌شوند».

ج. امنیت اقتصادی

امنیت اقتصادی به معنای در امان بودن دارایی‌ها و اموال اشخاص از دست متجاوزان است. امنیت اقتصادی از دو دید عوامل داخلی و خارجی قابل بررسی است. نسبت به عوامل داخلی یعنی اینکه دارایی‌های شخص در تملک وی بوده و دیگران در آن تصرف نداشته باشند. اسلام به این اصل توجه دارد و طبق فرمایش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مسلمانان بر اموال خود مسلط هستند و تصرف در مال دیگران بدون رضایت آنان جایز نیست:

«لَا يَحِلُّ دَمُ امْرَأٍ وَلَا مَالُهُ إِلَّا بِطَبِئَةِ نَفْسٍ مِنْهُ» (حرّ عاملی، ۱۴۱۴: ۳، ۴۲۴).

«خون هیچ کسی به دیگری حلال نیست، مال هیچ کسی بر دیگری حلال نیست مگر اینکه خودش

با طیب خاطر رضایت دهد».

این امنیت باید با قانون مالکیت و سیاست‌های اقتصادی دولت تامین شود. امنیت نسبت به عوامل خارجی با استقلال اقتصادی از دیگران تأمین می‌شود. بر این اساس مردم و دولت بر منافع ملی کشور مسلط هستند و قدرت تصمیم‌گیری دارند و این امر با خودکفایی و عدم وابستگی به دیگران دست‌یافتنی است.

اسلام دین کاملی است و آموزه‌های خود را طوری تنظیم می‌کند که انسان را در بعد اقتصادی با ایصال به این سه هدف به سعادت دنیایی و آخروی برساند و برنامه‌های تربیتی و اقتصادی را برای این منظور تدوین کرده است. اسلام در پی تلفیق این سه هدف است و سعادت انسان‌ها و پیشرفت جوامع را در دستیابی به این سه هدف در کنار هم می‌بیند به‌طور مثال، رشد اقتصادی مدنظر اسلام باید با عدالت و امنیت اقتصادی همراه باشد.

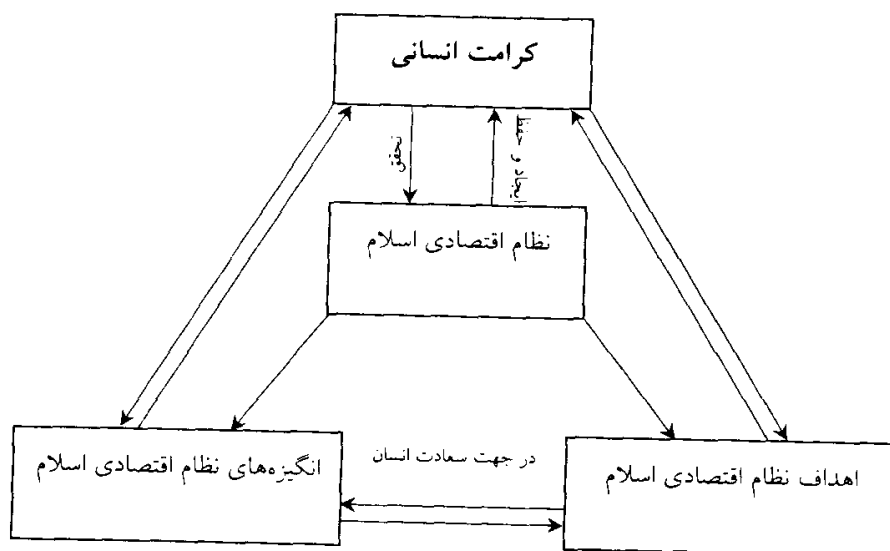
رابطه انگیزه‌های انسان کریم با اهداف نظام اقتصادی

کرامت انسان در تمام اهداف و انگیزه‌های نظام اقتصادی اسلام اثر گذاشته و در تحقق آنها موثر است، همان‌طور که کرامت انسانی از این اهداف و انگیزه‌ها متأثر است. کرامت تمام انسان‌ها در سایه نظام اقتصادی اسلام پدید و حفظ می‌شود در نتیجه کرامت انسانی و اقتصاد در همدیگر به‌طور مثبت یا منفی اثر می‌گذارند. انسان کریم برخلاف انسان اقتصادی نظام سرمایه‌داری با ویژگی‌های اقتصادی که دارد خدا و آخرت را بر مادیات و لذت‌های فانی آن ترجیح می‌دهد، وی از گناه و زشتی دوری می‌جوید و به اعمالی مثل ربا، کم‌فروشی، حيله و دیگر مفاصد اقتصادی دست نمی‌یازد و در کنار بهره‌مندی از لذت‌های مادی، لذت‌های معنوی را بر آنها ترجیح می‌دهد. اهداف وی با اهداف، انگیزه‌ها و رفتارهای نظام اقتصادی اسلام سازگار است اما با اهداف، آرمان‌ها و حوزه رفتاری نظام سرمایه‌داری منافات دارد.

جامعه انسان‌های کریم، خدامحور بوده در پی بیشینه‌کردن لذت‌های مادی و معنوی افراد خود است و در جهت تحقق اهداف و انگیزه‌های نظام اقتصادی اسلام گام برمی‌دارد. در این جامعه رشد اقتصادی با امنیت و عدالت همراه است. این جامعه رفاه

افراد خود را در جهت سعادت آنها به ارمغان می‌آورد. جامعه انسان‌های کریم از گناه و مفاصد دوری جسته و در پی جلب رضایت خداوند متعال است و برای کسب منفعت مادی قوانین الهی را زیر پا نمی‌گذارد و از راه حرام و با ظلم به دیگران به مال‌اندوزی دست نمی‌زند و با انفاقات و پرداخت وجوهات شرعی خود جامعه را در رفع فقر و توازن اقتصادی یاری می‌دهد. نمودار ذیل ترابط کرامت انسانی و اقتصادی را نشان می‌دهد.

نمودار ۴: رابطه کرامت انسانی و اقتصاد



جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

۱. کرامت، به معنای بزرگواری و بزرگ‌منشی و در اصطلاح؛ شایستگی و شأنی است که خداوند متعال به انسان‌های وارسته و پرهیزگار عطا می‌کند؛
۲. کرامت به سه نوع کرامت ملکوتی (برای فرشتگان)، کرامت طبیعی (برای جهان ماده) و کرامت انسانی (برای انسان) تقسیم می‌شود. و کرامت انسانی به کرامت ذاتی که مربوط به تمام انسان‌هاست و کرامت اکتسابی که مختص انسان‌های وارسته است تقسیم می‌شود؛

۳. کرامت دارای مراتبی بوده و معیار تشخیص آن تقوای الهی است و هر شخصی فراخور میزان تقوای خویش دارای کرامت اکتسابی است و به همان میزان در رفتارهای آن شخص به‌ویژه کنش‌های اقتصادی وی تأثیرگذار است؛

۴. کرامت انسانی از مقوله‌هایی است که اسلام به آن ارزش داده و رفتار کریمانه انسان کریم از نوع رفتارهایی است که به انگیزه بیشینه‌کردن سرجمع لذت‌های مادی و معنوی صورت می‌گیرد و در بحث اخلاق اقتصادی و تحلیل‌های اقتصادی قرار می‌گیرد؛

۵. کرامت انسانی در اخلاق اقتصادی و مباحثی چون مصرف، تولید، سرمایه‌گذاری، نظام بازتوزیع درآمد، تامین اجتماعی، جلوگیری از مفاسد اجتماعی (مثل رباخواری، رانت‌خواری، رشوه‌خواری، کم‌فروشی، احتکار، گران‌فروشی و غیره) و دیگر مباحث تأثیرگذار است؛

۶. کرامت انسانی در جهت تحقق نظام اقتصادی اسلام نقش فعالی دارد و همچنین نتیجه اجرای صحیح نظام اقتصادی اسلام حفظ کرامت انسان یا پدیدآمدن آن است؛

۷. انگیزه‌ها، آرمان‌ها و رفتارهای اقتصادی انسان کریم با انگیزه‌ها و آرمان‌های نظام اقتصاد اسلام سازگار است اما با انگیزه‌ها و آرمان‌های نظام سرمایه‌داری منافات دارد؛

۸. در نظام سرمایه‌داری، انگیزه رفتارهای اقتصادی کنشگر، کسب مطلوبیت‌ها و دستیابی به حداکثر سود و نفع مادی شخصی است و تمام رفتارها براساس این انگیزه چیده می‌شود اما در نظام اقتصادی اسلام انگیزه رفتارهای اقتصادی بیشینه‌کردن سرجمع لذت‌های مادی و معنوی است.

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

۱. آریلابستر، آنتونی، ۱۳۷۶ش، *ظهور و سقوط لیبرالیسم غرب*، ترجمه عباس مخبر، تهران: نشر مرکز.
۲. آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۳۶۳ش، *غدر الحکمه و درر الکلم*، ترجمه محمدعلی انصاری، قم: امام عصر علیه السلام.
۳. ابن منظور، ابوالفضل جمال‌الدین محمد بن مکرم، ۱۴۰۸ق، *لسان‌العرب المحيط*، ۵، تصحیح شیخ عبدالله لعلایلی، بیروت: دار لسان‌العرب.
۴. تفضلی، فریدون، ۱۳۷۵ش، *تاریخ عقاید اقتصادی از افلاطون تا دوره معاصر*، تهران: نشر نی، دوم.
۵. جعفری، محمدتقی، ۱۳۶۰ش، *ترجمه و تفسیر نهج‌البلاغه*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۶. جوادی‌آملی، عبدالله، ۱۳۸۰ش، *تسنیم، تفسیر قرآن کریم*، ۳، قم: مرکز نشر اسراء، اول.
۷. ———، ۱۳۸۴ش، *تفسیر انسان به انسان*، قم: اسراء، اول.
۸. حرّ عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۱۴ق، *وسائل الشیعه*، تحقیق: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام لإحياء التراث، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام لإحياء التراث بقم، دوم.
۹. حرانی، حسن بن علی، ۱۴۰۴ق، *تحف العقول عن آل رسول صلی الله علیه و آله*، تحقیق علی‌اکبر غفاری، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۱۰. حکیمی، محمدرضا و دیگران، ۱۳۷۴ش، *الحیاء*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، پنجم.
۱۱. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۴ش، *مبانی اقتصاد اسلامی*، تهران: سمت، دوم.
۱۲. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، ۱۴۱۶ق، *مفردات الفاظ القرآن*،

دمشق: دارالقلم و الدارالشاميه، اول.

۱۳. رجبی، محمود، ۱۳۸۱ش، انسان‌شناسی، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، پنجم.
۱۴. رضی، الشریف ابوالحسن محمد، ۱۳۷۶ش، نهج البلاغه، ترجمه سیدجعفر شهیدی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۵. زریباف، سیدمهدی، ۱۳۶۹ش، تحلیلی بر سیر شناخت و روش‌شناسی علم اقتصاد (پایان‌نامه)، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۱۶. شارل، ژید و شارل، ژیست، ۱۳۷۰ش، تاریخ عقاید اقتصادی، ترجمه کریم سنجابی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، سوم.
۱۷. صابری، احمد، ۱۴۱۵ق، ادب‌الحسین و حماسه، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۱۸. صدر، سیدمحمدباقر، ۱۳۵۰ش، اقتصاد ما یا بررسی‌هایی درباره مکتب اقتصادی اسلامی، محمدکاظم موسوی (ج ۱) و ع - اسپهندی (ج ۲)، تهران: انتشارات برهان و مؤسسه انتشارات اسلامی.
۱۹. صدرالدین شیرازی (ملاصدرا)، محمد بن ابراهیم، ۱۳۶۳ش، مفاتیح‌الغیب، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۲۰. طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۷۴ش، ترجمه المیزان فی تفسیرالقرآن، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۲۱. فرزانه، احمد، ۱۴۰۳ق، نهج‌الشهاده، قم: مؤسسه نشر و فرهنگ اهل‌البيت علیهم السلام.
۲۲. فرسون، سی‌بی‌مک، ۱۳۶۹ش، جهان حقیقی دموکراسی، ترجمه مجید مددی، تهران: نشر البرز.
۲۳. قره‌باغیان، مرتضی، ۱۳۷۰ش، اقتصاد رشد و توسعه، تهران: نشر نی.
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۸۸ق، اصول کافی، ۱، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۵. گلیهی، فرد، ۱۳۶۶ش، نظریه و سیاست اقتصاد کلان، ترجمه مهدی تقوی،

تهران: کتابخانه فروردین، اول.

۲۶. مجلسی (علامه)، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، بحارالانوار، بیروت: مؤسسة الوفاء.
۲۷. محمدی‌ری‌شهری، محمد، ۱۳۷۵ش، میزان‌الحکمه، ۴، قم: دارالحدیث، اول.
۲۸. مقرئ فیومی، احمد بن محمد بن علی، ۱۴۰۵ق، المصباح‌المنیر فی غریب الشرح‌الکبیر، قم: دارالهجرة.
۲۹. موسویان، سیدعباس، ۱۳۷۹ش، کلیات نظام اقتصادی اسلام، قم: دارالثقلین، دوم.
۳۰. —، ۱۳۸۰ش، «عدالت: محور آموزه‌های اقتصادی اسلام»، فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، سال اول، ش ۴.
۳۱. موسوی‌خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۶۱ش، صحیفه نور، ۹، تهران: انتشارات شرکت سهامی چاپخانه وزارت ارشاد اسلامی.
۳۲. میرمعزی، سیدحسین، ۱۳۷۸ش، نظام اقتصادی اسلام (اهداف و انگیزه‌ها)، تهران: مؤسسه فرهنگ و دانش و اندیشه اسلامی، اول.
۳۳. نمازی، حسین، ۱۳۸۲ش، نظام‌های اقتصادی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، اول.
۳۴. هادوی‌تهرانی، مهدی، ۱۳۷۸ش، مکتب و نظام اقتصادی اسلام، قم: مؤسسه فرهنگی خانه خرد.
۳۵. هادوی‌نیا، علی‌اصغر، ۱۳۷۸ش، قرض‌الحسنه و آثار اقتصادی آن، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۳۶. یوسفی، احمدعلی و فراهانی‌فرد، سعید و لشکری، علیرضا، ۱۳۷۹ش، ماهیت و ساختار اقتصاد اسلامی، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، اول.
۳۷. یوسفی، محمدرضا، ۱۳۷۵ش، کلیات اقتصاد اسلامی، قم: نشر خرم، اول.